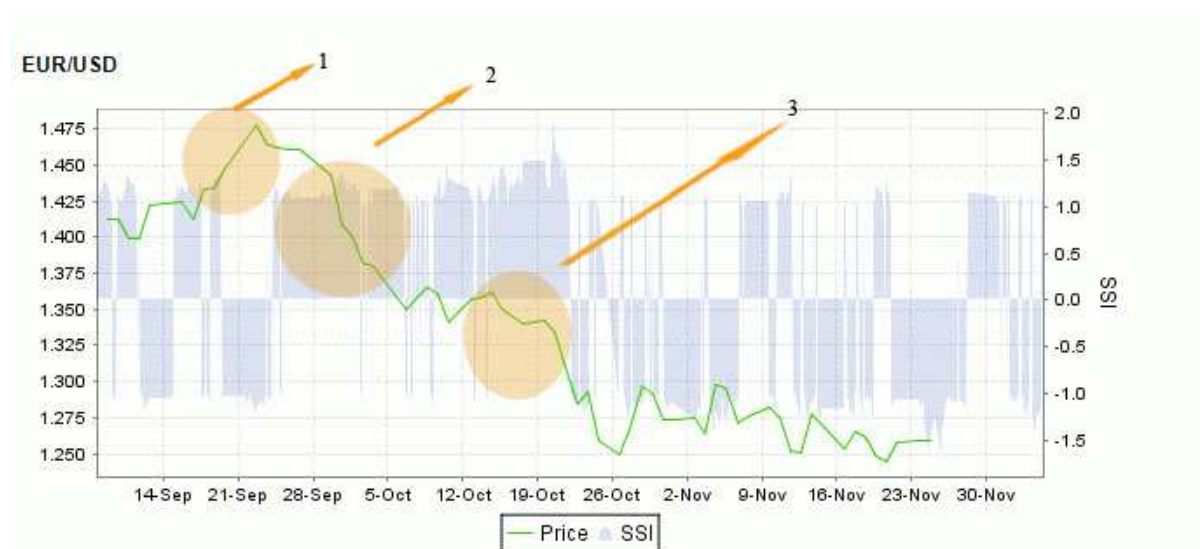


به نام خدا

این مطلب، جمع اوری شده مطالب ارائه شده در تاپیک های بررسی انتظارات معامله گران و گارگاه معاملات بر اساس SSI می باشد.

در این سطور سعی شده جمیع نظرات دوستان، ارائه شود و در طرح مطلب سلیقه ای عمل نشود. فقط برای بهتر شدن و یکنواختی طرح مسئله، مطالب پراکنده، ولی دارای یک مفهوم را در کنار هم آورده ام.

موضوع از این جا شروع شد که جناب کسری با در کنار هم قرار دادن احوالات تریدرها و اینکه اکثریت در این بازار دچار ضرر می شوند. ایده ای را بررسی کرد به این عنوان که با بررسی تریدهای بازنده شاید بتوان خلاف اکثریت وارد بازار شد. ادله و تایید کننده نظر ایشان ارائه اماری از طرف بروکر FXCM بود. که برابند معاملات مشتریانشان را در بازه های زمانی ماهانه و سالانه ارایه می کرد.



با نگاهی اجمالی به این نمودار به راحتی می توان متوجه شد که مجموع پوزیشن های معامله گران در این بروکر در اکثریت مواقع خلاف جهت حرکت بازار می باشد.

جناب کسری با گرفتن این نتیجه طرخی را مطرح کرد! به این صورت که تعدادی از معامله گران بی تجربه را جمع اوری کرده و بدون اینکه متوجه بشوند از برابند معاملات ایشان، در خلاف برابند معاملات آنها اقدام به معامله کرد.

در این مسیر اطلاعات جالبی از طرز فکر معامله گران بی تجربه بدست آمد که خود موضوعی جدا از این مطلب می باشد.

در این میان جناب (ای دی) هنری هولمز به این نکته اشاره کرد که این بروکر، اطلاعات مربوط به برابند معامله گران را، دو بار در روز در اختیار مشتریان خود می گذارد و با توجه به اینکه

خود ایشان در این بروکر حساب داشتند، این امار را در اختیار ما قرار دادند. در این بین دوستانی به نام های نیروانا ، کوروش ، جناب امین به بحث پیوستند که هر کدام به شکلی شروع به توصیف این امار نمودند.

مسئله اصلی این بود که در واقع چه کسانی ضرر می کنند. آیا واقعا ۹۵ درصد معامله گران همیشه ضرر می کنند یا اینکه برآیند معامله ها در ۹۵ درصد حالات منجر به ضرر می شود!

در فراز بعدی این مطلب مطرح شد که اگر ما به صورت رندم هم معامله کنیم نتیجه ان باید به ۵۰ درصد میل کند (با فرض بدون اسپرد) نه ۹۵ درصد!!

این مطلبی بود که نگاه دوستان را به نکته های حد سود و حد ضرر جلب کرد. در واقع اینطور می توان گفت که انتخاب حد سود و حد ضرر خود باعث عدم هم خوانی امار ۵۰ درصد و امار ۹۵ می شود.

حالات مختلف را در اینجا شرح می دهیم.

حالت اول اینست که شما به درستی وارد معامله شده اید و جهت حرکت بازار را درست تشخیص داده اید . اما با تعیین نادرست حد ضرر به سرعت موقعیت را از دست می دهید.

حالت دوم اینست که شما باز هم به درستی وارد معامله شده اید و حد ضرر معقولی دارید اما با انتخاب حد سود اشتباه ، با سود کم خارج می شوید!

حالت سوم به این صورت است که اساسا شما در خلاف جهت بازار وارد شده اید ولی با تعیین حد سود کوچک در برگشت قیمت با سود کم خارج می شوید!

حالت چهارم به این صورت است که شما در خلاف جهت قیمت وارد شده اید و در نهایت حد ضرر شما دیده می شود.

این چهار حالت نمایانگر شرایط ورود معامله گران در بازار می باشد. اما حالات دیگری نیز در این بین وجود دارند که بیانگر نوع تفکر شما در ادامه معامله می باشد. به این صورت که پس از ورود با حرکت قیمت به سمت حد ضرر و نزدیک شدن ان به حد ضرر اقدام به جابجایی کرده و در نقطه دورتر ان را قرار می دهید و یا اینکه پس از دیده شدن حد ضرر دوباره به امید بازگشت قیمت وارد معامله در خلاف جهت بازار می شوید و در نهایت اینکه علی رقم در ضرر بودن به حجم معاملات در ضرر اضافه می کنید. و غیره....

برایند این حالات نمایانگر تغییرات امار می باشد.

نکته اصلی در این مطلب اینست که در واقع ۹۵ درصد معاملات است که به ضرر منجر می شود نه ۹۵ درصد معامله گران .

در نتیجه می توان معاملات ضررده داشت ولی در نهایت سود کرد و یا معاملات سود ده داشت و در نهایت ضرر کرد!

تا اینجا مطلب را داشته باشید تا گریزی به خود امار بزینیم.

در حین بررسی این امار، دوستان بروکرهای دیگری را معرفی کردند که، هر کدام به شکلی در حال انتشار این امار بودند. این امارهای مختلف در تایم های مختلف به روز می شدند و هر کدام نیز به شکلی متفاوت به نمایش در می آمدند. که گاهی این امار در مقاطعی هم جهت بوده و در مقاطعی خلاف جهت هم بودند. اما در اینجا يك سوالی پیش می آید!

سوال اینست که آیا این امار براساس تعداد معاملات معامله گران می باشد؟ یا حجم معامله گران؟ دانستن این موضوع می توانست راه را برای نشان دادن اصل داستان به ما نشان بدهد. اگر این امار براساس تعداد معاملات بوده باشد این موضوع دارای تناقضی با مقولات عرضه و تقاضا و غیره نخواهد داشت. اما اگر بر اساس حجم معاملات باشد. این موضوع دارای يك تناقض اساسی در داخل خود خواهد بود! به این معنا که وقتی ارزی تقاضا می شود قاعدتا باید ارزش آن افزایش پیدا کند نه اینکه ارزش آن کاهش پیدا کند !!!

این فرض دوم که این امار نشانگر حجم معاملات است اگر صحیح باشد به طور غیر مستقیم ما را به نحوه کار بروکرهای مارکت میکر راهنمایی می کند. (البته این بررسی ها بر اساس فرض هست و قصد داریم با ارائه منطق و دلیل بر اساس این موضوعات راهی برای معاملات خود بیابیم). این فرض بر این موضوع استوار است که بروکر های مارکت میکر با تجمیع معاملات مشتریان خود و برآیند گیری از آن (روبرو قرار دادن بای ها با سل ها) ، معادل چندین برآیر لات باقی مانده از آن برآیند گیری را در جهت خلاف وارد بازار می کنند. با این فرض اساسا رابطه بین عرضه و تقاضا دچار مشکل نمی شود(در بازار فارکس) و نظریه مجموع بازی صفر نیز صادق می ماند!!(اینجا خوراک تئوری توطئه است، شبکه بین بروکر ها وایت لیبل ها و غیره) .

دوستان با پرسش از بروکرهایی که این امار ها منتشر می کردند اینگونه پاسخ گرفتند که:

آمار در ایزی فارکس به تعداد ترید ها و نه تعداد تریدرها بر میگردد.

آمار در داکوسکوپی به حجم

در اوآندا به تعداد ترید ها و در اس اس آی به تعداد تریدرها بر میگردد.

در این میان با در نظر گرفتن مطالب بالا ممکن است خلط مبحثی با مباحث فاندامننتال پدید بیاید که جناب اقبالی به این مهم اشاره کردند و موضع اصلی ایشان این بود که تعداد معامله گرانی که شامل خود ما و چند مارکت میکر است در مقابل تعداد معامله گران واقعی بازار اصلا به حساب نمی آید و با تکیه بر این امار نمی توان میزان عرضه و تقاضا را مشخص کرد. در نتیجه این امار یا کارایی نخواهند داشت و یا بعد از مدتی کارایی خود را از دست خواهد داد. و به جای استفاده از این امارها باید با خواندن چارت به میزان عرضه و تقاضا پی برد. (البته مطالب دیگری هم ذکر شد که مطالعه آن ها خالی از لطف نیست).

در پاسخ ایشان جناب کسری و چند تن از دوستان استدلال دیگری را مطرح کردند که به نوعی گویای این مطلب است که ، بررسی این امار نشانگر نیروهای موجود در بازار نیست بلکه نمایانگر

در ضرر بودن اکثریت است و با فرض این مطلب که اگر خلاف آنها معامله کنیم نتیجه بهتر خواهد شد، به این موضوع می پردازند.

در رابطه با همین موضوع جناب امین فارکس مطلبی را عنوان می کنن که شما را به خواندن ان دعوت می کنم.

ولی نظر دوستان رو به یک مساله مهم جلب میکنم:

صفحه ۷۱ کتاب بنیادهای اقتصادی در بازار ارز دوخط آخر و صفحه ۲۹ تا ۷۱ به صورت کلی بیان شده است که داو پس از تحقیقات فراوان به این نتیجه رسید که بازار ارز به دلیل سیالیت بالایی که دارد بسیار کاراتر از دیگر بازارهای مالی است و لذا تعیین نرخ ارز دشوار است. عملاً نرخ ارز به انتظارات افراد تغییر میکند و باید این انتظارات را شناخت و دید که آیا این انتظارات دست یافتنی است.

SSI دقیقاً در جایی بهترین جواب ها و بهترین ایده های معاملاتی را رو میکند که این انتظارات از واقعیات بدور باشند.

برای همین است که منباز هم تاکید میکنم که دانش بنیادین و دانش تکنیکی اگر به طور صحیح و در حای خود به خوبی بکار گرفته شوند میتواند واقعیات بازار را به خوبی نمایش دهد و برای مثال یکی از روشهای تحلیل تکنیکی را عبور از چارت جفت ارزی و بررسی بازارهای مرتبط با بازار مربوطه عنوان میکنند که جان مورفی نیز کتابی در این زمینه نوشته و جناب مساح نیز زحمت ترجمه آن را کشیده اند. نکته مهمی که در این جا مطرح میشود این است که عملاً بسیاری از افرادی که در طول روز معامله میکنند واقعا از روشهای حرفه ای تحلیل تکنیکی و بنیادین دور هستند. و به برخی روشهای ساده بسنده کرده اند. علت اینکه در بسیاری از سیستم ها فیلتر SSI به خوبی جواب میدهد این است که هنوز پتانسیل این روش را در کنار تحلیلهای تکنیکی و بنیادین نمی بینیم.

من با حرف کسری موافقم که شاید روزی بتوان به جای تحلیل تکنیکی و تحلیل بنیادین تحلیل تریدر ها را انجام داد. زیرا طبق نظریه بازار کارا هر آنچه هم اکنون اتفاق افتاده است در قیمت نمود بهتر خواهد یافت. جالب اینکه با توسعه تکنولوژی بازار کارا قویتر خواهد شد و بررسی چارت ها فقط آن بخشی که با ذات بازارها قابل تطابق باشد باقی میماند یعنی ابزار ها و فکر میکنم اندیکاتورها در ۲۰ سال آینده جایی در این بازار نداشته باشند. البته این فقط یک نظریه است. یک نظریه که تنوری گشت تصادفی، تنوری دوره های زمانی آنرا حمایت میکنند. برای رسیدن به بهترین کاربرد در این روش بهتر است در جاهایی باشیم که بین واقعیات و انتظارات بازار واگرایی ایجاد میشود.

براستی چگونه میتوان بین واقعیات و انتظارات این واگرایی را درک کرد؟ شاید ترکیب تحلیل بین بازاری و تحلیل تریدری راهگشا باشد.

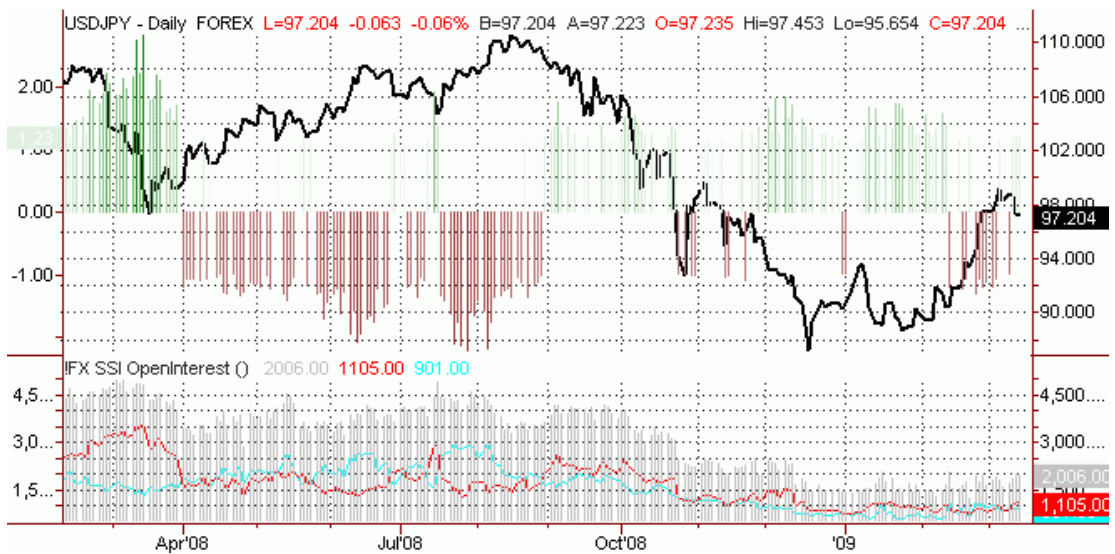
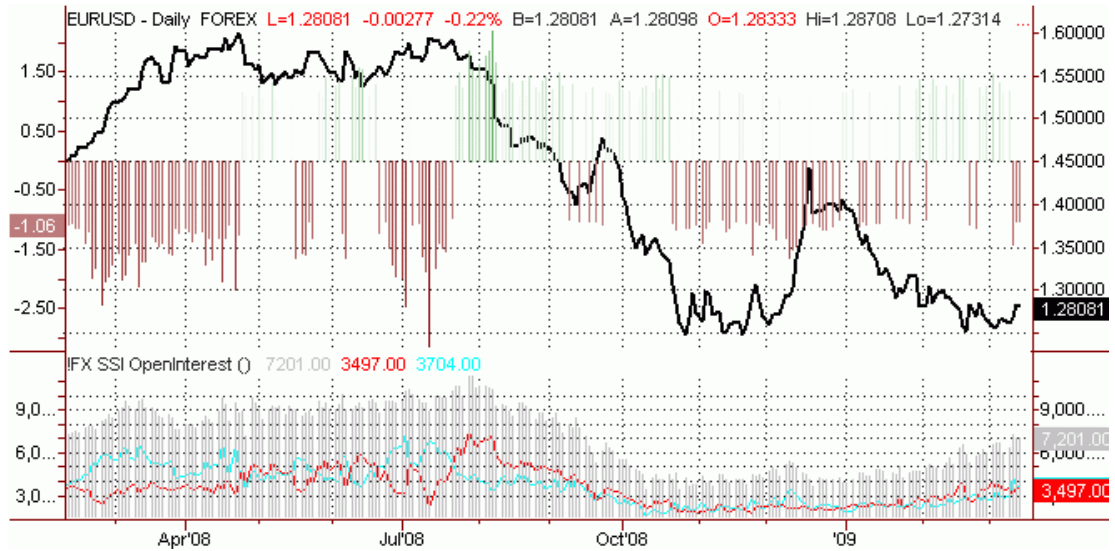
حال نتیجه گیری!

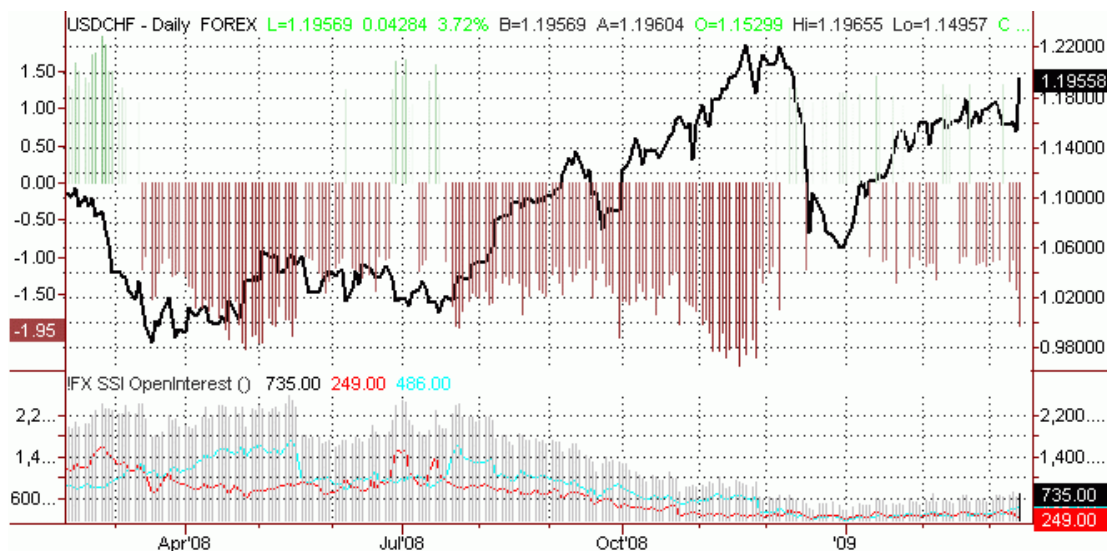
فارق از اینکه این امارها بر اساس حجم باشند یا بر اساس تعداد معاملات در نهایت بیانگر این موضوع است که اکثریت معاملات اشتباه از اب در می آید!!! و معامله گران بزرگ به مجموع در خواست ها دسترسی دارند. کافی است که اتصال بروکر ها به بازار از طریق بانک ها باشد و بانکها نیز از طریق بانکهای بزرگتر به بازار متصل باشند و غیره

تا به اینجا ما به سه موضوع پرداختیم. اول اینکه امار نشانگر این موضوع است که اکثریت معاملات اشتباه است، دوم اینکه مهم نیست امار بر اساس حجم معاملات باشد یا تعداد معاملات و سوم **نحوه** معامله معامله گران بیانگر و سازنده این امار است. به همین خاطر است که اگر بسیاری از نکات بازار هم اشکار شود و ابزار های جدید هم ساخته و طراحی شود باز هم نتیجه تغییر نخواهد کرد!

از اینجا به بعد سعی در بررسی خود امار داریم.

نمونه هایی از امار SSI در چارت قیمت و روابط بین آنها





با توجه به تصویر قرار داده شده در بالا و نمونه های موجود در تایم یک نکته اساسی را می توان مشاهده کرد و آن اینکه در ۸۰ درصد مواقع اکثریت در زمانی که بازار ترند می باشد ضرر میکنند. و در شرایطی که بازار رنج باشد این نسبت به ۶۰ درصد می رسد. (البته نسبت ها تخمینی میباشد).

نکته دیگر میزان انتظار ما از صحت این امار در بازار است. به این معنی که این امار در چه جفت ارز هایی کارایی دارند و قابل اعتماد ترند؟

اینجا بود که دوستان با بررسی این امار و رابطه آن با واکنش قیمت پرداختند. در این جا مسئله ای نمایان شد که در جفت ارز هایی که، در صد بالایی از معامله گران در آن جفت ارز در حال معامله هستند، این امار از دقت بیشتری برخوردار است.

جناب امین فارکس و جناب کوروش این ایده را مطرح کردند که برای از بین بردن این نقیصه می توان در جفت ارز های کراس از امار معادل آنها در برابر ارز اصلی استفاده کرد. به این صورت که مثلا برای استفاده از امار در جفت ارز پوند به ین باید درصد امار پوند به دلار و دلار به ین را در نظر گرفت.

مسئله دیگری که در بررسی امار جفت ارزها دوستان به آن اشاره کردند این بود که جفت ارز دلار به دلار کانادا عموما اکثریت جهت درست را تشخیص داده و امار SSI آن با جهت حرکت همخوانی دارد. در این جا مطلبی طرح شده که جای بررسی بیشتری دارد و آن اینکه ممکن است این نتیجه ناشی از واکنش دلار کانادا به بازار کالا باشد.

در مطالب ارائه شده تا اینجامسئله دیگری طرح شد و آن نا همگونی این امار با هم بود به طوری که امار ایزی فارکس و مثلا FXCM با هم جهت نبودند و این قضیه در تفسیر این امار مشکلاتی بوجود می آورد.

نظر دوستان بر این بود که معامله گران بروکر ایزی فارکس عمدتاً معاملات کوتاه مدت انجام می دهند و معامله گران FXCM یا اواندا دارای ثبات بیشتری در معاملات هستند. از اینجا به بعد قضیه همگرایی یا واگرایی امارها با هم مطرح شد که دارای نکات جالبی بود که خواندن آن در تاپیک خالی از لطف نیست.

در بررسی امار یک نتیجه دیگر نیز بدست آمد و آن اینکه عموماً اتکا به این امار در انتهای روندها ما را دچار مشکل می کند و علت آن اینست که وقتی عموم در خلاف جهت روندی معامله می کنند قرار نیست که تا ابد بازار در انجهت حرکت کند به طور مثال در یک روند صعودی که اکثریت سل دارند قرار نیست که تا همیشه روند بازار صعودی بماند و لا جرم تغییر جهت خواهد داد و این جا جایی است که روند با جهت معامله اکثریت همسو می شود. ولی جناب امین متوجه مسئله دیگری شد.

جناب امین فارکس به جایی استفاده از امار روزانه روند تغییرات امار را در روند های قیمت، بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که علی رقم همجهت شدن روند جدید با امار معامله معامله گران، در انتهای روند قبلی شاهد تغییرات هستیم به نحوی که مثلاً در یک روند صعودی در انتهای روند شاهد کاهش درصد معامله گرانی که سل کرده بودند، بودیم. و این خود اخطاری بود مبنی بر اتمام روند قبلی و شروع روند جدید. در روند جدید نیز با قدرت گرفتن بازار دوباره درصد معامله گران خطا رفته تغییر می کرد و بر تعدادشان افزوده می شد.

اما در ادامه با بررسی های بیشتر ایشان به نتیجه متفاوت تری از مطلب بالا رسیدند و با تقسیم بازار به سه حالت نقش امار را در این سه حالت بررسی کردند که مطلب ایشان را سطور پایین نقل قول می کنم.

اگر خاطرتان باشد بر اساس تجربه و با بررسی نمودار ۳ سال گذشته یورو به این نتیجه رسیدیم که SSI در پایان روند ضرر میدهد.

کلا در این روش ما بازار را به سه قسمت تقسیم میکنیم:

۱- بازار دارای روند - در این بازار همواره SSI سود ده است

۲- بازار - Range در این بازار که قسمت عمده لحظات را شامل میشود در نگاه اول SSI دارای موفقیت 60 درصد است یعنی اگر به صورت خام مورد استفاده قرار گیرد اینطور است، ولی اگر سلاح مناسب این بازار را به کار بگیریم موفقیت بیش از ۷۰ درصد است. سلاح مناسب چیست؟ اردرهای لیمیت.

وقتی نمودار SSI که چارت قیمت را نیز شامل میشود نگاه میکنید انگار که کارنامه اعمال تریدرها را مینگرید، واقعا با عمیق شدن در این نمودار زنده و جاندار انگار که اکثریت فارکس کاران به جنگ شما آمده اند باید ببینید با چه سلاحی میتوانید آنها را شکست دهید، چرا که در روش ما سود دادن اکثریت برابر ضرر دادن ما است. با توجه به نمودارها این اکثریت فقط در بازارهای رنج Range سود ده هستند. برای جنگ باید آنها را با سلاح خودشان شکست دهیم و این سلاح چیری نیست جز اردرهای لیمیت با استفاده از SSI یعنی اگر SSI میگوید بای کن، شما همون لحظه بای نکن، بلکه یه مقدار پایینتر اردر بای لیمیت بگذار.

در این صورت شاید بعضی روزها با اینکه جهت را درست تشخیص داده ایم ولی اردر لیمیتمان باز نشود ولی در صورت باز شدن پوزیشنمان ۲ خاصیت دارد: ۱- مخالف جهت اکثریت و در عین حال استفاده از تمام پتانسیل بازار برای ادامه روند احتمالی.

۳- پایان روند - در انتهای روند هر کاری که بکنی SSI ضرر ده است. مطلب شما هم که فرموده بودید به این قضیه

برمیگرده . یعنی چرا با اینکه SSI هنوز بر بای کردن اصرار داره ولی من بای نمیکنم و منتظر بهانه برای سل کردن هستم ؟

بعد از مدتی تجربه حرکات بازار همراه با زیر نظر گرفتن SSI به این نتیجه رسیدم که SSI در پایان روند با وقفه تغییر جهت میدهد . پس چاره چیست که در نقاط احتمالی کف و سقف ضرر ندهیم ؟
روشی میخواهیم که نقاط اکستریم را برایمان مشخص کند .
آیا فاندامننتال راهگشاست ؟ هر کسی جوابی دارد ولی جواب من "خیر" است .

و در ادامه ایده های برای پیدا کردن نقاط اکستریم ارائه کردند.

وآگرایی در تایم h4 به بالا یکی از راه هاست و COT . روشی دیگر و..... .

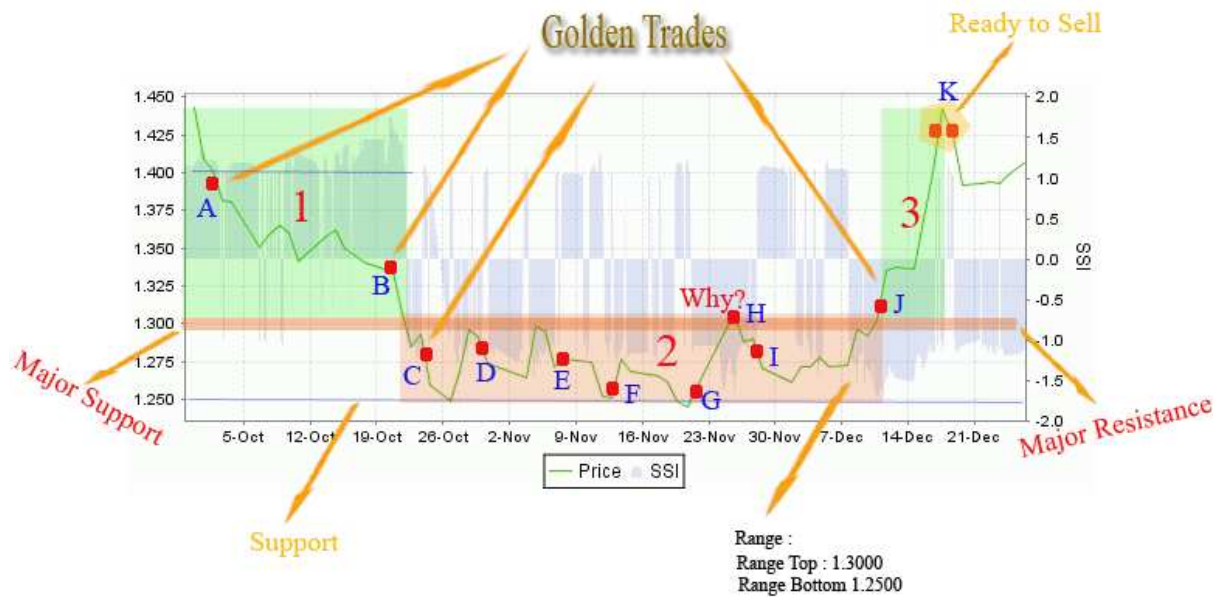
با در نظر گرفتن مطالب مطرح شده تا به اینجایی کار، روشهایی برای استفاده از این امار، مد نظر دوستان قرار گرفت که اولین آن را جناب کسری توضیح داده اند و من پست ایشان را به طور کامل به در اینجا می اورم.

نقل قول از جناب کسری

خب از این موضوع بگذریم ، چیزی که من بهش اعتقاد دارم وجود نقاط بحرانی در بازار هست . نمیدونم چه کلمه ای به کار ببرم ، تعریف نقطه بحرانی در ذهن من تصویر کرد به استخوان رسیدن رو ایجاد میکنه . یعنی چی ؟
یعنی جایی که عوام و اکثریت بد جوری ضرر میکنند ، یعنی محل تجمع استاپ لاس ها . یعنی توافق کامل فاندامننتالیست ها و تکنیکالیست ها در یک جهت به به صدا در آمدن زنگ خطر .

نمودار زیر را نگاه کنید

این نمودار ۳ ماهه یورو است همراه با SSI میخواهم تحلیلی بر این اساس بنویسم و ببینیم که آیا با روش ما موقعیت هایی در بازار بوده است که بتوانیم سود کنیم یا خیر ؟



خب شاید با دیدن عکس و احيانا شلوغ بودن آن از خیر خواندن ادامه مطلب بگذرید ، ولی توصیه میکنم ادامه مطلب رو هم بخونید ، تا حد امکان موارد موجود در عکس رو توضیح دادم و چیز سختی نیست. در ضمن اگه تازه به جمع خوانندگان این تاپیک پیوسته اید ، توصیه میکنم در صفحه دوم این تاپیک حتما توضیحات و تعریف SSI را مطالعه کنید.

در این عکس من ۳ ماه گذشته را به ۳ قسمت تقسیم کرده ام و با شماره از ۱ تا ۳ شماره گذاری کرده ام . فقط قسمت آخر دسامبر را جزو مناطق مورد نظر نیاورده ام بخاطر اینکه در این هنگام اصلا ترید کردن حرام است و بازار هیچ تحلیلی نمیپذیرد.

همونطور که در عکس میبینید منطقه ۱ و ۳ دارای ترند بوده و منطقه ۲ رنج است .

قبلا هم در مورد قسمت های ترند دار بازار صحبت کرده بودیم که همیشه در زمانی که بازار دارای ترند است ، اکثریت در اشتباه هستند و میتوان به راحتی بر علیه آنها پوزیشن گرفت ، به خاطر همین در مورد مناطق ۱ و ۳ کمتر صحبت میکنیم و می پردازیم به منطقه ۲.

برای اینکه هدف ما از بررسی این شاخص این است که روی روانشناسی جمعی تریدرها کار کنیم ، سعی میکنم بحث تکنیکی همراه با تفسیر رفتار جمعی تریدرها ارایه دهم.

خب از روی نمودار مشخص هست که الحمدلله اکثریت تریدرها با مفهوم رسیستنس و ساپورت در بازار آشنا هستند و معمولا در این نقاط حرکات جالبی از طرف اکثریت سر میزند که ما میتوانیم از آن استفاده کنیم.

اگه در نمودار دقت کنید میبینید که تعدادی از نقاط را با رنگ قرمز مشخص کردم که با حروف انگلیسی مشخص کردم .

من اسم این نقاط را میزارم نقاط بحرانی:

نقطه A :

چرا نقطه A بحرانی است ؟ به علت اینکه در اینجا میبینیم یک سطح روانی یا ساپورت قوی در نمودار یورو شکسته شده است .

در نقطه A چه کار کنیم ؟ اولاً میبینیم که روند کلی نزولی است که این یک امتیاز مثبت برای تصمیمگیری بهتر ما است . صبر میکنیم تا سطح ۱.۴۰۰۰ شکسته شود و میبینیم که همزمان بیشتر تریدرها پوزیشن بای دارند . اینجا موقعیت خوبی است که بر خلاف جهت آنها وارد شویم و سل کنیم . مخصوصا در جاهایی که تشخیص میدیم اگه ما بای داشتیم استاپ لاس خود را در آنجا می گذاشتیم . مثلا در قیمت ۱.۳۹۰۰ تا ۱.۳۸۵۰ چون معمولا کسانی که بای کرده اند استاپ لاس خود را در اینجا تنظیم میکنند . نقطه A نقطه خوبی برای ترید ما بود و سود هم داد و از

این نظر که پوزیشن ما همجهت با روند کلی هم بود یک پوزیشن طلایی به حساب میاد.

نقطه: B

چرا نقطه B بحرانی است؟ به علت اینکه در یک روند نزولی ما میبینیم که میزان بای کننده ها به میزان خیلی زیادی بالا است. این میزان بای کننده در چند ماه پیش از آن هم کم نظیر بوده است. خیلی عجیبه مگه نه؟ وسط یک حرکت نزولی میزان بای کننده ها به میزان خیلی زیادی زیاد شده است. آیا از نظر شما مشکوک میست؟ آیا این طلایی ترین نقطه ورود به بازار و بهترین زمان استفاده کردن از اکثریت ضررده در فارکس نیست؟ در نقطه B چه کار کنیم؟

شک نکنید، اکثریت دچار اشتباه بزرگی شده اند و سرمایه گذاران بزرگی هم اکنون وارد بازی می شوند، همراه با شما، اکثریت قربانی میشوند و شما در اینجا یک سل فوق العاده سود ده انجام می دهید. اگر چنین موقعیتی پیش آمد هیچوقت از دست ندهید.

نقطه: C

چرا نقطه C بحرانی است؟ به علت اینکه در یک روند نزولی یک ساپورت شکسته شده.

در نقطه C چه کار کنیم؟ اینبار موضوع کمی پیچیده تر است. به نمودار نگاه کنید، میبینید ابتدا وقتی سطح ۱.۳۰۰۰ در یورو رو به پایین شکسته شد، اکثریت هم سل کرده بودند! خوب روش کار ما هم که عمل بر علیه اکثریت است پس اینجا وارد بازی نمیشویم. اتفاقاً قیمت بعد از اینکه اندکی پایینتر می رود بالا می آید و تقریباً به ۱.۳۰۰۰ میرسد و دوباره آن را لمس میکند، در برگشت به سمت پایین مشاهده میکنیم که اکثریت بالاخره اشتباه را آغاز کردند و فکر کردند که یورو صعود خواهد کرد و اینجا بهترین فرصت برای ما است که در نقطه C یک سل طلایی انجام دهیم. طلایی از این نظر که هم در جهت روند کلی بودیم و هم یک سطح روانی شکسته و هم داریم مخالف اکثریت عمل میکنیم.

نقطه: D

به منطقه ۲ یا منطقه رنج یورو خوش آمدید. همونطور که گفتیم تصمیمگیری بر علیه اکثریت در هنگام بازار ترند بسیار سود ده و بدون خطا است ولی اگه استراتژی برای بازار رنج نداشته باشیم نمیتوانیم همیشه از بازار سود بگیریم.

به نقطه D نگاه کنید، با توجه به اینکه سطح ۱.۳۰۰۰ بعد از شکسته شدن تبدیل به رسیستنس شده است میبینیم که اکثریت هم همین موضوع را فهمیده اند و هنگامی که قیمت به ۱.۳۰۰۰ نزدیک میشود شروع به سل کردن میکنند خب میبینیم که قیمت سطح ۱.۳۰۰۰ را نشکست و ما فرصتی برای وترد شدن بر علیه اکثریت نداریم ولی من به نکته جالبی در مورد رفتار اکثریت در هنگام بازار رنج و عکس العمل آنها نسبت به رسیستنس و ساپورت های قوی پی برده ام. همانطور که میبینید وقتی قبل از نقطه D قیمت رسیستنس را لمس میکند اکثریت به درستی سل میکنند ولی در برگشت در یک لحظه میبینیم معادله تغییر کرد و بای کننده ها در کمال تعجب به اکثریت میرسند، اینجا نوبت ماست که بر علیه اکثریت وارد عمل شویم و سل کنیم، یعنی در نقطه D.

نقطه: E

دقیقا همانند نقطه D، اکثریت دوباره اشتباه خودشان را تکرار کردند و دقیقا همان روال قبلی تکرار شد، یعنی ابتدا به درستی سل کردند، ما در اینجا وارد نمیشویم چون نمیدانیم این سطح ممکن است بشکند یا نه، اما در حرکت رو به پایین در نقطه E میبینیم که اکثریت دوباره اشتباه کرده اند و ما وارد پوزیشن سل میشویم و وقتی آنها استاپ لاس میخورند، ما به تی پی میرسیم.

نقطه: F

در نقطه دوباره همین سناریو تکرار شده است وقتی قیمت به ساپورت ۱.۲۵۰۰ میرسد نمیدانم چرا اکثریت سل

میکنند ، احتمالا فکر میکردند این سطح میسکند ، در ابتدا ما کاری نمیکنیم چون میدانیم این سطح میسکند یا نه بر فرض مثال هم اگر بشکند ما در شکست وارد نمیشویم بلکه حتما باید صبر کنیم که پوزیشنهای طرف مخالف شکست زیاد شود و بعدش ما وارد شویم.

به هر حال در نقطه F اکثریت مانند دفعات پیش در برگشت از رسیستنس ابتدا بای کردند و در یک لحظه در نقطه F میبینیم که سل کننده ها در اکثریت قرار گرفتند ، اینجا نوبت ماست که بر علیه آنها بای کنیم و چند پیپی سود کنیم ، این نقطه زیاد سود ده نبود ولی با اینحال در یک بازار رنج همین هم غنیمته.

نقطه : G

اه خسته شدم باز هم همون سناریو . (لطفا توضیح قسمت F را بخوانید ، این بار هم اکثریت همان اشتباه را کردند ولی فرقی اینه که اینبار اگه بای میکردیم بیشتر سود میکردیم)

نقطه: H

این نقطه نیاز به توجه بیشتری داره ، در این نقطه قیمت از رسیستنس میگذره و اگه بی دقتی میکردیم بر خلاف اکثریت وارد پوزیشن بای میشدیم ، ضرر میکردیم . علتش هم این بود که قیمت اینبار نتونست به استاپ لاس اکثریت برسه ، ما باید ابتدا صبر کنیم که قیمت به درستی اون سطح رو بشکند و مطمئن بشیم استاپ لاس اکثریت زده شده . در نقطه H میبینیم که این سطح نشکسته و ما نه بای میکنیم نه سل بلکه صبر میکنیم همان سناریو همیشگی اکثریت در بازار رنج دوباره تکرار بشه تا ما وارد بازی بشیم.

نقطه: I

اگه تاحالا به این ایمان نیاوردید که اکثریت در این بازار فقط دارند دست و پا میزنند و روز به روز فقط ضرر میکنند به نقطه I نگاه کنید که باز هم همان سناریو در برخورد با سطح رسیستنس تکرار شده است . باز هم در برگشت از یک سطح رسیستنس یا ساپورت در بازار رنج صبر میکنیم تا اکثریت تغییر جهت بدهند و ما در همان لحظه وارد میشویم . در نقطه I سل میکنیم و سود میکنیم .

نقطه - : I یک پوزیشن طلایی دیگر-

چرا نقطه J بحرانی است ؟ به علت اینکه در یک بازار رنج یک سطح روانی و یک رسیستنس قوی شکسته شده است.

در نقطه J چه کار کنیم ؟ خب همگی که یادتون هست در این زمان اکثریت سیگنالهای همین سایت به عنوان جامعه آماری کوچکی از تریدرهای دنیا بر سل قرار داشت . و در هنگام شکسته شدن سطح ۱.۳۰۰۰ اکثریت طبق نمودار در پوزیشن سل قرار داشتند ولی چه چیزی باعث میشه این بار این نقطه بسیار بحرانی باشه و باید غبطه بخوریم که چرا در اینجا بای نکردیم ؟ در نمودار نگاه کنید ؟ تعداد سل کننده ها در لحظه شکست نسبت به چند ماه گذشته بی نظیر و بسیار زیاد بوده است یعنی اکثریت قاطع در این دوران به سل اعتقاد داشتند و این خیلی موقعیت کم نظیری است . واقعا خودم را ملامت میکنم که در آن زمان بای نکردم . ولی به هر حال این حرکت بازار نشون داد که بهترین زمان برای تصمیم گیری زمانی هست که هم فاندامننتالیستها و هم تکنیکالیستها بر یک پوزیشن اتفاق نظر دارند و ما در آن زمان باید بر عکس آنها وارد بازار شویم. بله در اینجا در شکست سطح ۱.۳۰۰۰ باید با پوزیشن بای وارد میشدیم و این رالی بیش از ۱۷۰۰ پیپ نیز ادامه یافت.

نقطه : K

در اینجا دو نقطه داریم که نشون میده بالاخره اکثریت شروع به بای کرد (چه دیر ؟ بعد از پایان رالی ؟) خب از

یک طرف میشد در اینجا از پوزیشن طلایی با سود بیاین بیرون و از یک طرف میشد سل هم بر خلاف اکثریت انجام داد .

به هر حال بعد از این نقطه به آخر دسامبر رسیدیم که ترید کردن اصلا به صرفه نبود.

نقل قول بالا يك روش استفاده از این امار بود که جناب کسري به خوبی ان را شرح دادند.

يکي ديگر از دوستان با توجه به مطلب بالا نکته اي را مطرح کردند که جنبه روانشناسانه اي از موضوع بود که نقل قول ان دوست را در ادامه مي اورم.

ببینید، چیزی که مشخص هستش، اینه که اکثریت خیلی زود از روند نزولی/صعودی موجود نا امید میشن، و بنا به دلایلی روند نزولی/صعودی حاکم بر بازار رو موقتی میدونن، و به همین خاطر یا برعکس روند پوزیشن می گیرن و یا خیلی دیر به روند اعتماد می کنن!

خود این موضوع نکته اي است که شاید اکثریت ما ان را بدانیم و ان را در کتب مختلف مطالعه کرده باشیم و یا در امضا هاي خود بياوریم. اصل مهم سود مستمر در این بازار اینست که **باید در جهت روند معامله کرد.**

مورد ديگري که يکي ديگر از دوستان ان را مطرح کرد این بود که مي توان از این امار در زمان انتشار اخبار مهم استفاده نمود. به این صورت که در نزديکي اخبار مهم نگاهی به امار ارائه شده توسط بروکر ايزي فارکي و خود امار ssi بياندازیم و خلاف اکثریت پوزیشن بگیریم که این مورد مثال هاي فراواني در تاپیک دارد که دیدن انها خالي از لطف نیست . اخباري که بر خلاف انتظار منتشر شده اند یا واکنش قیمت، خلاف انتظار از اخبار.

در رابطه با این روش، دوست عزیزمان جناب امین فارکس مطلبي را ارائه کردند مربوط به این که در اخبار مربوط به دلار، باید انتظار خرید یا فروش دلار را با استفاده از این امار بدست آورد و سپس ارز مناسب مقابل دلار را انتخاب کرد.

نکته ديگر در این روش بررسی امار پس از انتشار اخبار مي باشد. که بیانگر جهت کلي حرکت قیمت در ساعات اتي است.(این نکته مهمي مي باشد)

همچنین جناب کوروش روشي را بر مبناي این امار ارائه کردند که من ان را عینا در اینجا قرار مي دهم.

...این هم جهت بودن این آمارها از نظر منم خیلی مهمه. کلا من کاری که دارم میکنم تا الان بر حسب تجربه ای که توی این چند وقت داشتم اینه:

سه جفت ارز یورو - دلار ، پوند - دلار و دلار - دلار - این رو تحت نظر میگیرم. دلیل انتخاب این سه تا هم بالا بودن حجم روی اونهاست و اینکه باز به تجربه دیدم روی این سه جفت بهتر جواب میده. خب هر روزی که آمار ایزی، swfx

و SSI هر سه با درصد خوبی در یک جهت قرار گرفتند روی یکی از این سه جفت اونموقع جهت معامله پیدا شده. اگر هم چنین موقعیتی نبود که اون روز اصلا با این روش معامله نمیکنم. حالا با نقاط تکنیکی نقطه ورود و خروج رو بدست میارم. جالبه که با این روش فقط یک بار حد ضرر خوردم اونم روی پوند -دلار و بقیه فقط سود بوده.

چند نکته:

۱- اگر آمار برگشت با ضرر هم شده باید سریعا خارج شد چون همین برگشتن آمار هم به اون حرکت سرعت بیشتری میده.

۲- برای پوند- ین که ارز مورد علاقه منه اصلا به آمار مربوط به این جفت در ایزی یا swfx توجه نکنید. بلکه فقط به آمار پوند - دلار و دلار- ین دقت کنید. و اگر این دو جفت هر دو شرایط گفته شده رو داشتند و با درصد خوبی در یک جهت بودند میتونید با اطمینان نسبتا خوبی روی این جفت هم ترید کنید. اگر آمار این دو جفت هم جهت نبود بهتره از خیر این ترید بگذرید.

۳- بدترین نتایج همونطوری که خودت هم اشاره کردی روی دلار-دلار کانادا به دست میاد و اصلا ترید روی این جفت ارز با این روش توصیه نمیشه. از اون طرف بهترین نتایج هم روی یورو -دلار هستش. پس بهتره روی همون سه جفت ارزی که خدمتون عرض کردم فوکوس کنیم.

۴- این چند وقت دلیل بعضی از ضرر دادنها بچه ها رو در دو نکته دیدم. یکی اینکه از حد ضررهای کوچک استفاده میکنند و یکی هم اینکه هر روز اصرار دارند که حتما ترید کنند و به بوجود اومدن شرایط مناسب که درصد بالا و تایید در بروکرهای مختلفه کمتر توجه میکنند.

روش دیگری را که جناب کسری مطرح کردند وبه شکلی در ادامه روش قبلی ایشان بود را به شرح زیر و از زبان خود ایشان قرار می دهم.

یک نکته بسیار جالب خدمت دوستان عرض میکنم ، امیدوارم روی این مساله فکر کنید و به نتایج خوبی برسید . در مورد معاملات روی جفت ارز یورو دلار ، با توجه به اینکه مدتی بود حرکات بزرگی را شاهد نبودیم و در نمودار D1 منطقه ای رنج را شاهد بودیم ، خیلی سعی کردم روشی برای معامله در این شرایط پیدا کنم . من هم به پیشنهاد به دوستان دارم . با توجه به اینکه فعلا از آن حرکتهای طوفانی سال ۲۰۰۸ خبری نیست ، سعی کنید روزانه با توجه به SSI ، قیمت را با sell limit یا buy limit شکار کنید و کمترین میزان استاپ لاس همراه با تی پی ۱۰۰ پیپ به بالا انتخاب کنید.

یعنی وقتی مثلا ssi به شما میگه که یورو پایین میاد سعی کنید نقاطی با تحلیل تکنیکی پیدا کنید که در آنجا sell limit قرار دهید با ریسک به ریوارد مناسب . مطمئن باشید از نتایج اعجاب انگیز متحیر خواهید شد . از ما گفتن.

در ادامه پیشنهادی که برای گذاشتن اردرهای لیمیت خدمتون داشتم ، یک سر نخ بهتون میدم که امیدوارم براتون روشن کنه که چطور اردر بگذارید.

باید دقت کنید که قیمت معمولا به رسیستنس و ساپورتهایی که در جهت مخالف پوزیشنهای اکثریت است بهتر واکنش نشود میده و به راحتی اونها را نمیشکنه .

اما رسیستنس ساپورت هایی که در جهت پوزیشن اکثریت است به راحتی شکسته میشه .

یعنی ما چه کار کنیم /؟

باید مثلا در روزی که میبینیم اکثریت یورو را بای کرده اند ، آستینها را بالا بزنیم و از روشهای مختلف نقاط High را پیدا کرده و رسیستنسها را در چارت مشخص کنیم . ۵ پیپ زیر این رسیستنس اردر سل لیمیت بگذاریم . استاپ

لاس حد اکثر ۵۰ پیپ (البته در صورتیکه تایم فریم تحلیلی بزرگتر است میتوانید تا ۱۵۰ پیپ بگذارید) و تی پی حد اقل ۱۰۰ پیپ.

دقت کنید که عاملی که در این راه شما را موفق خواهد کرد، ریسک به ریوارد است. پس سعی کنید که حد اقل ۱ به ۲ باشد.

پس از باز شدن پوزیشن همواره روند SSI را در نظر داشته باشید.

امیدوارم دوستان عزیز فعالتر باشند و سعی کنند به استراتژی هایی بر این اساس و شکار کردن قیمت با اردرهای لیمیت پردازند. پس از اینکه در این زمینه حرفه ای تر شدید، میتوانید با لات بالا و استاپ لاس حد اکثر ۲۰ پیپ نقاط طلایی را شناسایی کرده و قیمت را به دام انداخته و در اولین فرصت بریک ایون کنید و منتظر یک سود بزرگ باشید.

همواره به یاد داشته باشید ۲۰ درصد معاملات شما ۸۰ درصد سود شما را در بر خواهند داشت. پس سعی کنید به جای کمیت روی کیفیت کار کنید.

در ادامه جناب کسری روش دیگری برای استفاده از امار SSI عرضه کرد که بر پایه گزارشات COT بود. اینجانب مطالب و نمونه های ارائه شده توسط ایشان را جمع کرده و در سطور زیر به زبان خود ایشان عرضه می کنم.

به نظر میرسد همیشه هر هفته با در نظر گرفتن گزارش COT ارزهایی با پتانسیل بالا را شناسایی کرد و با هماهنگی SSI و با گذاشتن اردرهای لیمیت از طریق روشهای تکنیکال، قیمت را به دام انداخته و تریدهای طلایی و با کیفیتی انجام داد.

COT این هفته حکایت از آن دارد که پتانسیل زیادی برای ضعیف شدن دلار موجود است.

Week (Data for Tuesdays)	COT Impications	13 Week Index (Current)	13 Week Index (Previous)
US Dollar	bearish	100	75
Euro	bullish	33	0
British Pound	neutral	50	100
Australian Dollar	bullish	75	50
NZ Dollar	bullish	0	0
Japanese Yen	bullish	0	0
Canadian Dollar	bullish	0	0
Swiss Franc	bullish	33	0

همچنین میتوانیم مانند هفته پیش منتظر یک نزول بزرگ در Usd Jpy باشیم.

یک کلام COT این هفته میگوید دلار ضعیف خواهد شد.

یک نکته خدمت دوستان عزیز عرض کنم. همانطور که قبلا اشاره کرده بودم نقطه ضعف COT، تاخیر در انتشار است. یعنی آماری که در هر هفته دریافت میکنیم، با استفاده از دیتای جمع آوری شده در ۳ شنبه هفته قبلی ایجاد می گردد. از اینرو استفاده از این آمار ترفند های خاص خودش را دارد.

مثلا اگر آمار گفته باشد euro usd نزول میکند، و در چارت ببینید که از ۳ شنبه پیش تاحالا ۳۰۰ پیپ نزول کرده است، شاید دیگر این آمار پتانسیل خود را از دست داده باشد.

نگران نباشید، با چند هفته پیگیری آمارها کم کم قلق کار دستتان می آید.

به نظر در مورد سی او تی بدلیل تاخیر زیادی که داره باید با احتیاط بیشتری عمل کرد. این روزها روند هایی که برای چند ماه پیگیر ادامه داشته باشند کمتر به چشم خرده. حرکات زیاد در بازه زمانی کم و ناگهان حرکتی خلاف انتظار.... من فکر میکنم برای فیلتراسیون ترید هامون از SSI , SWFX بهتر میتونیم استفاده کنیم. من فکر میکنم باید سعی کنیم جدول سی او تی هفته بعدی رو حدس بزنیم. اگر به اینجا برسیم، سنتیمنت ها به قدرت واقعی خودشون میرسند یعنی جایی انتظار میره برای جهت حرکت تصمیم بگیرند و نه فیلتر یک پوزیشن مطرح شده. برای این کار فکر میکنم باید به روند های ایندکس های ارز در SWFX توجه بیشتری کنیم. ارادتمند.

توضیحاتی راجب گزارش COT توسط جناب امین

ببین این جدول به صورت کلی شبیه همون اس اس آی میمونه ولی قبلا در مقیاس ماهیانه منتشر میشد و الان هفتگی شده. نه اینکه دقیقا تعداد پوزیشنها یا تعداد تریدرها و نشون بده بازار فارکس یک بازار فرا بورسی است. افراد زیادی در این بازار میتونن دخیل باشن بدون اینکه مستقیما معامله ای انجام بدن. قبلا گزارشهای COT خیلی کامل بود و شامل دو بخش تجاری و غیر تجاری میشدو. تجاری مربوط بود به حجم معاملات باز شده برای تجارت (مثل اعتبارات اسنادی و ...) و غیر تجاری عملا مربوط بود به فارکس. و بر این اساس بود که میزان جابجایی در بازار کالا میتونه قدرت مورد نیاز برای حرکت قیمت ها در بازار فارکس رو برآورده کنه. البته نه به این سادگی که میگم. ولی به طور خیلی کلی بر اقتصاد به جهت تاثیر بر عرضه و تقاضای ارز موثر بود.

ولی حالا این جدول خیلی خلاصه شده و فقط پتانسیل سنجی میکنه و اون اطلاعات به درد بخور تفضیلی رو متاسفانه دیگه ارائه نمیده. اطلاعاتی که برای پرایسینگ کالا ها میشد از اون ها استفاده کرد. به عبارت دیگه برای فارکس تقریبا به روز تر شد و برای تجارت به درد نخور!! اگر عددی نزدیک به صفر باشه اون ارز به قیمت های پایه نزدیک میشه و میتونه حرکتش رو به جهت کسب ارزهای بالاتر آغاز کنه و اگر نزدیک به صد باشه یعنی اون ارز عملا الان در اوج است و تقاضا (خرید) اون ارز جندان منطقی نیست

و در ادامه جناب کسری می گوید:

یرو فرمایشات امین عزیز ، واقعا خود همین مقوله COT بسیار گسترده بوده و برای توضیح و تفهیم روشهای استفاده از آن شاید نیاز به ایجاد تاپیک مجزا داشته باشد . فعلا با توجه به اینکه تحلیلگر Dailyfx آمار هفتگی COT که توسط موسسه CFTC به صورت هفتگی منتشر می شود را تحلیل و تفسیر میکند ، نیازی نمیبیم فعلا خودمان با آمار کلنچار برویم . چون امین جان ، همانطور که شما با کامل نمودن دیتا بیس در حال استفاده از هیستوری و روند SSI به جای عدد خام آن هستی ، در Dailyfx هم اینها با تکمیل جداول و نمودارهای چندین هفته ای ، بیشتر از اینکه روی عدد خام آمار هفتگی کار کنند ، روند تغییرات را تفسیر میکنند . نمودارها و تحلیلهای هفتگی را هم دوستان میتوانند در لینکی که هر هفته منتشر میکنم مشاهده کنند .

باز هم توجه کنید که با اینکه چند هفته ای است که این COT بی نقص و عالی جواب داده است ، ولی باز هم باید با احتیاط عمل کنید و برای پوزیشنها حد سود و ضرر بالای ۲۰۰ پیپ در نظر بگیرید .

این هفته هم طبق معمول چند هفته گذشته با کیفیت ترین و مطمئنترین معاملات را روی usdjpy انجام دادیم . همانطور که هر هفته اعلام میکنیم با کیفیت ترین و کم استرس ترین معاملات در جهتی است که COT و SSI هماهنگ باشند

در مورد جمع‌بندی این هفته باید بگم که اگر صرفاً به SSI توجه میکردیم ، جفت ارزهای اصلی مورد نظر ما همگی سود ده بودند ولی با فیلتر COT فقط سقوط usdjpy هماهنگ در می آمد و برای معامله محافظه کارانه میشد فقط روی سل کردن usdjpy مانور داد و خدا رو شکر خوب هم جواب داد .

تا اینجای کار با روشهای پیش نهادی دوستان آشنا شدیم و در ادامه قصد داریم به مباحث دیگری که از این امار منتج می شوند را بررسی کنیم.

یک نمونه از تحلیل این امار در چارت قیمت را که، جناب امیر بیز انجام داده بودند، به همراه تحلیل تکمیلی جناب کسری قرار می دهیم ، در اینجا می بینیم که چگونه اکثریت تفکر کرده و در مورد معاملات خود در بازار تصمیم می گیرند.

با سلام خدمت کسرای عزیز.
من این تحقیق چند ماهه رو تو اون تایپیک گذاشته بودم .حیفم اومد که اینجا نذارم.
این آماری که ملاحظه میکنید مربوط به سایت دوکاس کپی هست .روی ارز eur usd
من فقط آمارهای buy کننده رو گذاشتم.
هر عددکه روی کندلها میبینید مربوط به همون کندل هست .همینطور که میبینید اکثریت این ارز رو تو دراز مدت buy کردن
اما متأسفانه این ارز همینطور در حال ریزش هست.



سلام خدمت امیر عزیز

از زحمات ارزشمند شما سپاسگزارم.
البته این مشتریان بروکر دوکاس کپی نسبت به بقیه بروکرهايي که ما در نظر گرفته ایم بسیار حرفه ای تر هستند .
اگر وضعیت SSI بروکر FXCM را در نظر بگیرید وضعیتشان به مراتب بدتر است و همچنین مشتریان ایزی فارکس بدتر از

همه آنها وضعیت اسف انگیزی دارند که در تایم فریمهای کوتاه مدت تر نیز عملکردشان سرشار از اشتباه است. البته به نظر میرسد برای یورو سطح ۱.۲۵۰۰ بسیار کلیدی باشد و بای کردن در آن سطوح مناسب باشد. یعنی استثنان در آن سطوح اکثریت به درستی عمل کردند.

البته چند روز پیش هنگامی که یورو نزول بزرگی کرده بود، در این تایپیک نوشتیم که از منبع موثقی شنیده ام که در سطح ۱.۲۵۰۰ خریدهای با مبالغ هنگفت از سوی عده ای از بزرگان بازار انجام شده بود. سطح ۱.۲۵۰۰ برای سال ۲۰۰۹ از نظر آنها سطحی کلیدی است که خریدها در این سطوح در نهایت به سود خواهند رسید.

به هر حال سناریویی که در نموداری که امیر نشان داده پیاده شده است این است که در نزول یورو از حوالی ۱.۳۰۰۰ تا ۱.۲۵۰۰ همواره بای کننده ها در اکثریت بوده اند. همچنین استاپ لاس های بسیار زیادی زیر سطح ۱.۲۵۰۰ پنهان شده بودند که وقتی قیمت به آن حدود رسید از آن نیز گذشت و پس از زدن استاپ لاس ها و پس از باز کردن سل استاپ ها، صعود خود را آغاز کرد.

مثال بالا به همراه اشاره هایی که جناب کسری در تایپیک به موضوع حجم داشته اند ما را بر آن داشت که یکبار دیگر این امار را به گونه ای دیگر ببینیم. مطالب پراکنده ای که در تایپیک بود، در اینجا جمع اوری کرده ام که موضوع حجم و توجه جناب کسری به این موضوع را نشان می دهد.

دقت کنید که چون Daily change Longs و Daily change shorts تغییر حجم پوزیشنهای سل نسبت به دیروز و تغییر حجم پوزیشنهای بای نسبت به دیروز را میسنجد ممکن است شاهد باشیم هر دو با هم کم یا زیاد شده اند. با توجه به اینکه در فارکس ما به دیتای حجم (Volume) دسترسی نداریم، با این جامعه آماری کوچک که در این بروکر در دسترس داریم فرصت مغتنمی است که حجم بازار را تخمین بزنیم.

یک مثال از کاربرد حجم در معاملات به این صورت است که چنانچه مقاومت یا ساپورتهای با حجم بالا شکسته شود، آن شکست معتبرتر می باشد.

همچنین در هنگام خبرهای مهم می توان با توجه حجم پیشبینی کرد که تجمع استاپ لاس ها در کدام طرف می باشد و

....

و در ادامه

یک دیدگاه جالب:

از اندیکاتور انسانی برای تشخیص دایورجانس استفاده شده است

Recently we have seen that the majority of retail speculators have sold into Euro/US Dollar strength. Indeed, our most recent Forex SSI report accurately called for further US Dollar weakness into the current week of trading. Yet more recent SSI readings suggest there is tell-tale divergence between price and forex positioning.

Euro/US Dollar Speculative Sentiment Index Chart



In the chart above we see that the SSI ratio has actually moderated from recent extremes. Through last week the EUR/USD SSI ratio reached as low as -2.00—short positions in the EUR/USD outnumbered longs by 2 to 1. At that moment the pair traded at 1.3900 and traders seemed all-too-willing to sell into further rallies. Yet the most recent push above 1.4000 has meant that crowds are less willing to go short on EUR/USD strength. Though this is hardly an exact science, we believe that said divergence bolsters the case for a EUR/USD reversal and broader US Dollar rally.

در ادامه بررسی ها جناب توکلی روند تغییرات امار را ثبت نمودند و این طور نتیجه گرفتند که با دیدن تغییرات و ترسیم روند تغییرات می توان از تغییر جهت بازار مطمئن شد که در رد این نظر جناب زمانی این طور پاسخ دادند:

با سلام خدمت جناب توکلی

کار بسیار زیبایی انجام دادید

یک نکته ظریف رو شما دقت نکردید و اون اینکه زمانی که درصد خریداران یا فروشندگان یک ارز در حال تغییر است بسته به اینکه تعداد کل کسانی که بر روی ارز مورد نظر معامله می کنند افزایشی است یا کاهش، چند حالت زیر به وجود می آید:

- ۱- درصد خریداران افزایشی و تعداد کل افراد افزایشی یعنی افراد جدیدی که اکثرا خرید می کنند به جمع معامله گران اضافه شدند.
- ۲- درصد خریداران افزایشی و تعداد کل افراد کاهش می یابد یعنی کسانی که در حال خارج شدن از بازار هستند اکثرا فروشنده هستند.
- ۳- درصد خریداران کاهش می یابد و تعداد کل افراد افزایشی

افرادی جدید که اکثراً فروشنده هستند به جمع معامله گران اضافه شدند
۴- درصد خریداران کاهشی و تعداد کل افراد کاهشی
یعنی کسانی که در حال خارج شدن از بازار هستند اکثراً خریدار هستند .

خوب پس با تغییر درصد خریداران به تنهایی نمی توان گفت چه حالتی در حال اتفاق افتادن است.

در همین راستا من نیز سوالی از جناب زمانی پرسیدم که سوال و پاسخ ان عینا نقل می کنم:

جناب زمانی ایا با در نظر گرفتن درصد کل معامله گران در يك جفت ارز(فراوانی معامله در ان جفت ارز) و محاسبه ان در، درصد فروشندگان و یا خریداران ، نمی توان به ارزش اصلی تغییرات پی برد؟

مثلا درصد خریداران دلار را در جفت ارز یورو دلار داریم ، از طرفی فراوانی معامله گران را در جفت ارز یورو دلار داریم در نتیجه با ضرب این دو در هم و تقسیم نتیجه بر صد به ارزش واقعی تغییرات معامله گران را دست پیدا کنیم؟

پاسخ جناب زمانی

اینکار راه حل شما نیست چون با این کار شما درصد خریداران مثلا یورو را در یورو دلار به نسبت کل جمعیت خواهید داشت. برای همین چیز معنی داری به دست نمی آید.

برای تحلیل باید همزمان آمار حجم معاملات روی جفت ارز مورد نظر و درصد خریداران اون رو در نظر بگیرید. به تجربه متوجه شدم زمانی که حجم معاملات شروع به افزایش می کند جهت حرکت درصد خریداران تعیین کننده است. مثلا درصد خریداران رو افزایش است و حجم کل نیز در حال افزایش، پس از اونجا که اکثریت اشتباه ترید می کنند ما باید به فروش فکر کنیم.

در ادامه جناب زمانی مطلب بسیار مهمی را مطرح کردند که گویا و پوشای بسیاری از مطالب طرح شده بود که اینجانب به صورت کلی جمع بندی از ان را ارائه دادم :

با بررسی تمام امارهای SSI ، به صحت اینکه اکثریت معامله گران در بازار دچار ضرر می شوند شکی نیست. اما با تغییر زاویه دید و در کنار هم گذاشتن چند مطلب می توا نتیجه خاصی گرفت که به ترتیب عرض می کنم.

اولین مطلب که به نوعی آخرین حلقه های تردید را در این باب شکست ، مطلبی بود که جناب زمانی از تجمیع و یکسان سازی امار های منتشره توسط چند بروکر را به نمایش گذاشت . که در اکثریت مواقع این امار همجهت بوده و همدیگر را تایید می کردند. این مسئله وابستگی امار به يك بروکر و یا تعداد یوزر های ان بروکر را شکست . زمانی اکثریت ما عقیده داشتیم که یوزرهای ایزی فارکس بشدت در حال اشتباه معامله کردن هستند که با تجمیع امار لحظه ای انها و در کنار هم قرار دادن امار انها با سایر امار ها به این نتیجه می رسیم که تفاوت معنا داری بین امار SSI ایزی فارکس یا اونادا نیست و حتی تصور اینکه این امار مربوط به نوع معامله گران هم باشد رنگ باخت (اسکلپ ترند یاب فاندامنتال.)

دومین مطلب اشاره جالب جناب کسری به این مطلب بود که به نوعی این امار نشانگر حجم معاملات در بازار هستند که با بررسی این موضوع من نیز به صحت این قضیه پی بردم . منظور از حجم، تیک ولوم موجود در متاتریدر نیست بلکه منظور دقیقا حجم جریان خرید و فروش در بازار می باشد.

با تجمیع دو مطلب بالا به این نکته می توان دست یافت که **معکوس** امار معامله گران نشانگر حجم بازار می باشد که

دقیقا همان خواص را نشان می دهد که در بورس ها از آن استفاده می شود.

به طور مثال در اندیکاتور حجم که در بورس عرضه می شود گاهی يك سري حفره ها بوجود می آید که هر کدام تحلیل های خاص خود را دارند این حفره ها به صورت کاملا روشن در امار ssi دیده می شود و می توان از تحلیل آنها به نتایج بهتری دست یافت.

حال تعاریفی را برگرفته از کتاب تحلیل تکنیکال مورفی را در مورد حجم درج می کنم.

میزان حجم معاملات شدت یا فراریت پنهان شده در حرکت قیمت را نشان می دهد.

حجم معاملات سنگین تر نشانگر تمایل یا فشار بیشتر است.

به طور مثال در يك روند صعودي افزایش قیمت باید با افزایش حجم همراه باشد که در اینجا با افزایش معکوس امار ssi هماهنگ است.

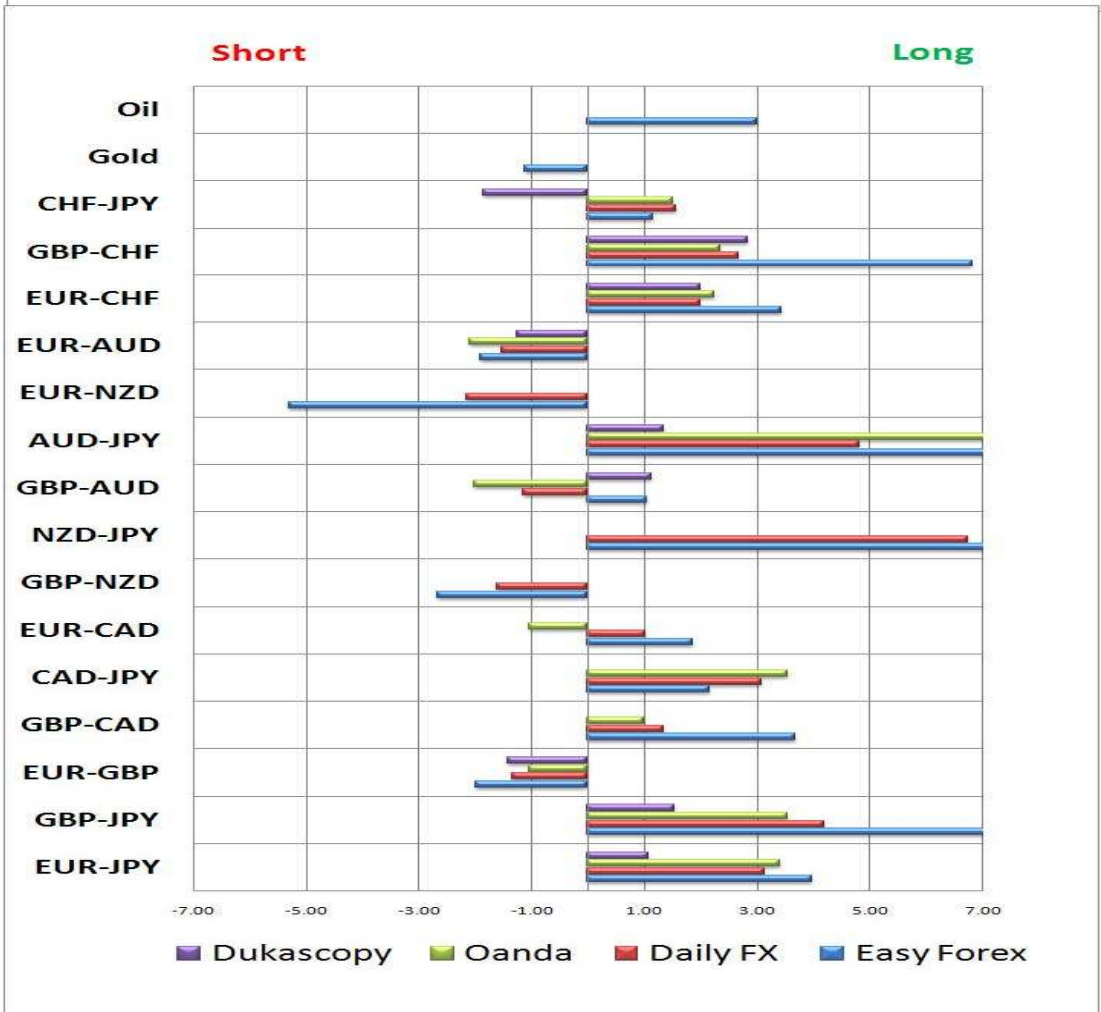
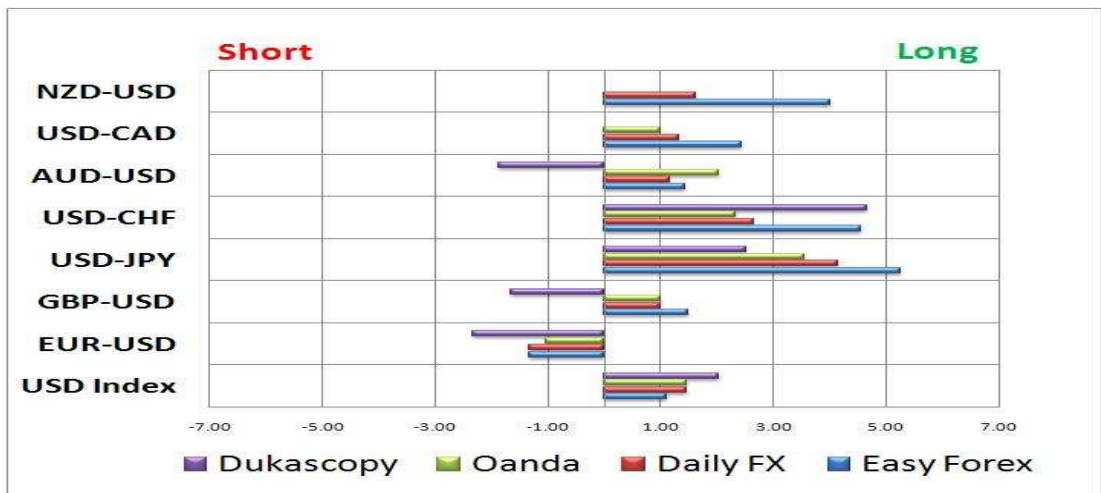
حجم باید در هنگام پدید آمدن حفره ها کاهش پیدا کند. تا هنگامی که الگو ادامه دارد حجم معاملات باید روند قیمت را تایید کند. به بیان دیگر می توان واگرایی را این گونه تفسیر کرد افزایش قیمت به همراه کاهش امار حجم هشدار تغییر روند می باشد.

اگر حجم معاملات تمایل به افزایش در حفره ها داشته باشد نشان دهنده اشکال در روند صعودي می باشد.

ادامه بحث را می توان در کتاب مطالعه کرد آنجا که رابطه حجم با الگو ها را نشان می دهد.

امار ssi يك شاخص ثانویه می باشد که به نوعی در کنار تحلیل قیمت می تواند عمل کند و استفاده سیگنالی از آن مقدر نیست.

نمونه ای از این تجمیع امار ها که جناب زمانی زحمت آن را کشیده در اینجا قرار می دهم. البته نمونه های بسیار دیگری نیز در تاپیک موجود است.



و در نهایت جناب کسری در پاسخ به سوالی، جمع بندی از مطالب ارائه دادند که گویای اصل مطلب می باشد!

در مورد سوالتان راجع به SSI به نظر من برای ورود به معامله خوب نیست . مگر اینکه شما از روشی دیگر ،(فاندامنتال یا تکنیکال) نقطه ورود و سیگنال را بگیرید و با استفاده از SSI آنرا فیلتر کنید ، **در نهایت SSI چیزی نیست جز یک قوت قلب برای تریدر و کمک به مدیریت پوزیشن .**

از قدیم به ما گفته اند که به سودها اجازه گسترش دهید و ضررها را محدود کنید . هنگامی که SSI پوزیشن شما را تایید میکند می توانید با اعتماد به نفس بیشتر اجازه دهید که سود شما گسترش یابد و پوزیشن سود ده را زود ببندید.

در مقابل وقتی SSI مخالف شما است ، چنانچه در ضرر هستید ، بیخودی بر ادامه ضرر پافشاری نکنید و در اولین فرصت پوزیشن ضررده را ببندید.

حتی اگر فقط از جنبه روحی روانی به مساله نگاه شود بسیار حائز اهمیت است . یکی از نقطه ضعف های انسان که به شکست ۹۹ درصد افراد در فارکس می انجامد آزمایش زیر است:

تعدادی تریدر زیر نظر قرار گرفتند و مدیریت پوزیشنهای زیر به آنها سپرده شد:

حسابی با ۲ پوزیشن باز : یک پوزیشن در ۲۰ پیپ سود و یک پوزیشن با ۲۰ پیپ ضرر ، در نهایت معلوم شد اکثریت تریدرها در اولین فرصت پوزیشی که در سود بود را بستند و پوزیشن ضررده را نگه داشتند . بهترین استفاده از SSI به نظر من کمک روحی روانی به تریدر برای اجازه دادن به گسترش سودها و محدود کردن ضررها در بهترین جهت است . جتهی که اکثریت تریدرها ضرر میدهند.

به عنوان نکته اخر باید بگویم که بنا به نحوه و پایه متفاوت امار منتشر شده توسط بروکر ها خواندن این امار متفاوت می باشد و در نهایت برای خواندن این امار شما باید به خود تایپك مراجعه کنید.

نتایج بررسی شد و ایدهها گفته !

دوستان زیادی چه در انتشار و چه در بررسی های گونا گون این امار دست داشته اند که به خاطر قصور اینجانب نامی از آنها در ای سطور برده نشد. افرادی مانند جناب طالبی ، جناب امین حبیبی، جناب بهنام و سایر دوستانی که امید وارم این قصور من را ببخشند. همچنین ممکن است مطلبی یا نکته ای از دید اینجانب دور مانده باشد که امید وارم بدست شما دوستان اصلاح شود.

با تشکر محمد شیرزاد

پایان